

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال بیست و هفتم، دوره جدید، شماره ۳۳، پیاپی ۱۲۳، بهار ۱۳۹۶

تأثیر فرمان منع مسکرات شاه تهماسب اول بر مصرف افیون در دوره اول حکومت صفوی (۹۰۷-۹۹۶ ق)^۱

یعقوب تابش^۲
سید هاشم آقاجری^۳
عطاءالله حسنی^۴

تاریخ ارسال: ۹۵/۹/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۶

چکیده

افیون ماده‌ای مخدر است که در طول تاریخ به‌عنوان دارو کاربرد داشته و در صورت مداومت در مصرف، خوگیری به آن برای بشر اجتناب‌ناپذیر است. در ایران پیشاصفوی افیون بیشتر مصارف پزشکی داشت. در قرن نهم هجری قمری و آستانه عصر صفوی معدودی از افراد که از اقشار بالای جامعه بودند یا به این اقشار وابستگی داشتند به افیون معتاد بودند. از

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2017.12915.1253

۲. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه شهید بهشتی؛ ytabesh5@yahoo.com

۳. استادیار گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس؛ aghajeri@modares.ac.ir

۴. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی؛ a-hassani@sbu.ac.ir

دهه پنجم قرن دهم هجری قمری تغییر محسوسی در مصرف افیون در جامعه ایران به وجود آمد. هدف این نوشتار این است که با به کارگیری روش توصیف و تحلیل تاریخی این تغییر را تا پایان دوره اول حکومت صفوی (۹۰۷-۹۹۶ ه.ق) روشن نماید و پیامدهای اجتماعی آن را بنمایاند. بررسی داده‌هایی که از منابع گوناگون به دست آمده، نشان می‌دهد فرمان منع مسکرات شاه تهماسب اول، رفته رفته اعتیاد به افیون را افزایش داد و این افزایش پیامدهای اجتماعی جدیدی را موجب شد و زمینه‌ای را برای اعتیاد فراگیر جامعه در دوره‌های بعد فراهم آورد. به عبارت دیگر، افیون به عنوان جایگزین مسکراتی که در فرمان شاه منع شده بود، نقش بیشتری در تغییر سبک زندگی ایرانی - در عرصه مواد مصرفی - ایفا کرد.

واژه‌های کلیدی: افیون یا تریاک، اعتیاد، شاه تهماسب اول، فرمان منع مسکرات.

۱. مقدمه

افیون یا تریاک خالص، عصاره گیاه خشخاش^۱ یا کوکنار است که با ایجاد شکاف سطحی بر روی گرزّه گیاه و جمع‌آوری شیره غلیظ‌شده آن در فواصل زمانی مشخص به دست می‌آید (عمادالدین شیرازی، ۱۳۸۸: ۲۸-۳۴؛ عقیلی علوی خراسانی شیرازی، ۱۳۹۱: ۱/۶۶۶-۶۶۷). در دوره صفوی مصرف تریاک به دو شیوه خوردن - بلعیدن به صورت حب - یا نوشیدن بود. عمادالدین شیرازی بارها از واژه «خوردن» و «تناول کردن» برای استعمال تریاک بهره می‌برد. (عمادالدین شیرازی، ۱۳۸۸: ۴۳، ۴۴، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۱۳، ۱۲۱ و...). تدخین یا کشیدن افیون مربوط به دوره پساصفوی است. پزشکان این عصر گاه افیون خالص را، بسته به اثری که از آن انتظار داشتند یا به منظور کاهش خاصیت سمی آن، با مواد دیگر می‌آمیختند و حب‌هایی با نام‌های مختلف از آن می‌ساختند. از این رو نمی‌توان

۱. نام گیاه افیون است که فارسی آن کوکنار است. (عقیلی علوی شیرازی، ۱۲۶۰، ق: ۱۰۲۰).

از یک ترکیب واحد که در بین مردم بیشتر رواج داشته، نام برد.^۱ متون پزشکی عصر صفوی از داروهای ترکیبی بسیاری نام می‌برند که در آن‌ها افیون به کار رفته است.^۲ دم کرده یا جوشانده پوست و دانه کوکنار نیز از جمله مکئیفات^۳ بود، این ماده برخلاف حب تریاک که جامد بود به صورت نوشیدنی مصرف می‌شد. این نوشیدنی افیونی که «شراب خشخاش»^۴، «طبیخ^۵ کوکنار»^۶ و «آب کوکنار»^۷ نامیده می‌شد، هر چند در متون پزشکی قرن دهم به آن اشاره شده (حسینی شفائی، ۱۳۸۳: ۱۴۹؛ عمادالدین شیرازی، ۱۳۸۸: ۱۶۹) اما هنوز خبری از شیوع آن در بین مردم، آن گونه که از عصر شاه عباس اول به بعد رواج یافت، وجود ندارد.^۸

از تریاک یا معرب آن تریاق یعنی پازهر - اصل آن پاوزهر بوده به معنی شوینده زهر، زیرا پازو به معنی شستن و پاکیزه کردن است (برهان، ۱۳۸۰: ۱۸۲) - جهت رفع اثر سموم استفاده می‌شده است.^۹ در عرف دوره صفوی مثل امروز به افیون تریاک هم می‌گفتند،^۱

۱. شاردن در نیمه دوم حکومت صفوی از یک نوع حب افیون که به هاشم‌بیگی معروف بود نام می‌برد (شاردن، ۱۳۷۲: ۸۴۷/۲). این در صورتی است که در همین زمان نصرآبادی از حب رفیعی، خشت دربهشت، سفوف، حب جدوار، حب عنبرین که خود مرحله به مرحله آن‌ها را آزموده بود و به اعتیاد دچار شده بود نام می‌برد. (نصرآبادی، ۱۳۶۱: ۴۵۹).

۲. جهت آشنایی با این حب‌ها و ترکیب‌ها نک: (حسینی شفائی، ۱۳۸۳، ۷۳-۷۴؛ عمادالدین شیرازی، ۱۳۸۸: ۱۰۸-۱۱۰؛ عقیلی علوی خراسانی شیرازی، ۱۳۹۱: ۱/ ۶۶۶-۶۶۷)

۳. مواد لذت آور.

۴. (حسینی شفائی، ۱۳۸۳، ۱۴۹).

۵. جوشانده.

۶. (شاه‌ارزانی، ۱۳۸۰، ص ۹۴، ۹۷؛ نفیس بن عوض، ۱۳۸۷: ۱/ ۴۶۵)

۷. (شاه‌ارزانی، ۱۳۸۰: ۱۱۶)

۸. در نیمه دوم عصر صفوی در سراسر شهر اصفهان جایگاه‌هایی شبیه به قهوه‌خانه‌ها وجود داشت که به آن‌ها کوکنارخانه می‌گفتند. در این مکان‌ها این جوشانده را آماده می‌کردند و در اختیار مشتریان قرار می‌دادند (شاردن، ۱۳۷۲: ۱/ ۴۷۷، ۸۴۹، ج ۲/ ۴، ۱۵۰، ۱۴۸۸؛ کمپفر، ۱۳۶۰: ۲۹؛ تاورنیه، ۱۳۳۶: ۶۴۰). برخلاف تذکره‌های قرن دهم، تذکره‌ها در این دوره از کسانی نام می‌برند که لقب کوکناری داشتند. (نصرآبادی، ۱۳۶۱: ۳۲۴؛ ایمان، ۱۳۸۶: ۶۰۸، ۶۳۲).

۹. بعضی بین تریاک و پادزهر تفاوت قائل شده‌اند اما در تقسیم‌بندی آن دچار اختلاف شده‌اند گروهی گفته‌اند: مطبوعات مفردة پادزهر است و مصنوعات مرگه تریاک است برخی گفته‌اند تریاک نباتات مفردة است و پادزهر

۴۰ / تأثیر فرمان منع مسکرات شاه تهماسب اول بر مصرف افیون در دوره اول حکومت صفوی (۹۰۷-۹۹۶ ق)

فرهنگ فارسی برهان قاطع که در میانه عصر صفوی تنظیم شده در چند جا به یکی بودن افیون و تریاک اشاره کرده است: «افیون بر وزن و معنی افیون است که تریاک باشد» (همان، ۱۳۸۰: ۴۸، ۴۹، ۸۱، ۲۴۰، ۸۷۸). نویسنده فرهنگ مجمع الفرس که پیش از برهان قاطع به نگارش درآمده این گونه استدلال می کند که چون افیون هم مانند تریاک دافع زهرهاست در این ایام به آن تریاک می گویند (سروری، ۱۳۳۸: ۱/۳۰۶).

مصرف افیون را از نظر اثری که بر مصرف کننده دارد می توان به «مصرف صحیح» و «سوء مصرف» تقسیم کرد. داده های پیشاصفوی مؤید این است که افیون پیش از صفویه بیشتر کاربرد درمانی داشت و در دسته بندی مصرف صحیح قرار می گرفت (ابن سینا، ۱۴۲۶: ۱/۳۴۱؛ بیرونی، ۱۳۸۳: ۲۵۲؛ رازی، ۱۴۰۸: ۵۸۲؛ کحال، ۱۳۸۷: ۳۶۱؛ کرمانی، ۱۳۵۶: ۵۲) و تنها در قرن نهم و آستانه ظهور صفویه افراد اندکی از اقبال بالای جامعه گرفتار اعتیاد بودند (واصفی، ۱۳۴۹: ۳۹۳؛ ا.ع. نوایی، ۱۳۶۳: ۱۶۵). گزارش ها نشان می دهد از دهه پنجم قرن دهم هجری قمری تغییر محسوسی در مصرف افیون به وجود آمده است. این زمان با صدور فرمان منع مسکرات و سایر ناهنجاری های شاه تهماسب مقارن است. از این رو این پژوهش درصدد پاسخ گویی به دو سؤال است: اول این که منع مسکرات چه تأثیری بر مصرف افیون داشت؟ و سؤال دوم این که مصرف افیون چه پیامدهای اجتماعی را به دنبال داشت؟ مدعای این نوشتار بر این مهم استوار است که فرمان منع مسکرات شاه تهماسب اول به عنوان یک اقدام سیاسی زمینه های بروز فراگیر یک امر اجتماعی موسوم به «اعتیاد به افیون» و پیامدهای اجتماعی دیگر را فراهم آورد. جهت اثبات این مدعا، با به کارگیری روش ترکیبی توصیف و تحلیل تاریخی به استخراج داده ها و پردازش آن ها پرداخته شده است. به عبارت دیگر، به زعم این پژوهش اولین نشانه های فراگیر سوء مصرف افیون در جامعه ایران، که از دهه ی دوم حکومت شاه تهماسب

معدنیات و حیوانیات و برخی دیگر پادزهر را به مفردات و تریاک را به مرکبات و عده ای تریاک را به معدنیات و نباتات و پادزهر را به حیوانیات، منحصر می کنند. (گنجینه بهارستان (مجموعه ۳ رساله در پزشکی)، ۱۳۸۶: ۹۳/۲، ۱۷۴-۱۷۵)

۱. در این دوره واژه افیون و تریاک هر دو به جای هم به کار می رفتند. (اولناریوس، ۱۳۶۳: ۲۷۳؛ شاردن، ۱۳۷۲:

اول (۹۴۰ ق) آغاز شد، با فرمان منع او در پیوند است. این پژوهش از این جهت که در صدد تبیین تاریخی مسئله اعتیاد به افیون در آغاز همه گیر شدن آن در جامعه ایرانی است، اهمیت دارد.

در باره مصرف افیون در دوره اول حکومت صفویه اثر مستقلى در دست نیست. پژوهشگرانی همچون فلسفی، طاهری، راوندی و صفا^۱ ذیل موضوعاتی کلان تر، مطالب مختصری را به افیون در این دوره اختصاص داده‌اند. آثاری همچون تاریخ تریاک و تریاکی در ایران از حسین کوهی کرمانی^۲ و ماجراهای منع تریاک و اسنادی از داستان تریاک^۳ از عبدالحسین نوایی، با آن که به طور اختصاصی به تریاک پرداخته‌اند، بیشتر توجهشان به نیمه دوم دوره قاجار - عصر تجاری شدن تریاک در ایران - و دوره پهلوی اول جلب شده است و تنها اشاراتی گذرا به عصر صفوی - از شاه عباس اول به بعد - داشته‌اند. همایون نوری پناه زیر عنوان «مصرف دخانیات در ایران عصر صفوی» علاوه بر تنباکو به افیون اشاره می‌کند اما بیشتر داده‌هایش مبتنی بر سفرنامه‌های اروپاییان در دوره پسا شاه عباس اول است و بدون در نظر گرفتن تحولات مصرف تریاک در دوره طولانی صفوی، مشاهدات و پندارهای سفرنامه نویسان را به سراسر دوره صفوی تعمیم داده است (نوری پناه، ۱۳۹۱). مهم ترین پژوهشی که داده‌های بیشتری از وضعیت افیون در دوره اول حکومت صفوی در آن گنجانده شده کتاب *the pursuit of pleasure: drugs and stimulants in Iranian history, 1500-1900* اثر رودی متی است. نویسنده فصل چهارم کتابش را به افیون در دوره صفوی اختصاص داده است. با این حال این اثر همچون آثار پیش گفته بیشتر ماهیت توصیفی دارد و در تنظیم پاراگراف‌ها، نظم زمانی فدای نظم موضوعی شده، از این

۱. (راوندی، ۱۳۸۲؛ صفا، ۱۳۷۸؛ ۵/ بخش ۱/ ۱۱۳-۱۲۵؛ طاهری، ۱۳۵۴؛ ۳۲۹-۳۲۸؛ فلسفی، ۱۳۵۳؛ ۲/ ۲۷۱-۲۷۲)

۲. این اثر را که می‌توان جُنگ تریاک نامید. مطالب شوخی و جدی فراوانی درباره تریاک دارد که اشتباهات فاحشی هم در آن دیده می‌شود از جمله فرمان منع کوکنار در سال ۱۶۲۱ م را به شاه عباس دوم نسبت می‌دهد (کوهی کرمانی، ۱۳۲۴: ۱۰۵).

۳. (ع. نوایی، ۱۳۷۳؛ ع. نوایی، ۱۳۷۷)

رو داده‌های مربوط به دوره‌ی اول با داده‌های دوره‌ی پسا‌شاه عباس اول در هم تنیده و نویسنده را از ارائه تحلیل‌های ویژه دوره اول بازداشته است. منابعی که در این نوشتار مورد استفاده قرار گرفته‌اند از دو جهت در نگارش مقاله تأثیر بیشتری داشته‌اند:

۱. متون تاریخ‌نگارانه یا وقایع‌نامه‌ها و متون ادبی به‌ویژه تذکره‌ها، از جهت معرفی نخبگان سیاسی و فرهنگی که دچار افیون و مسکرات شده بودند و توضیح دیدگاه‌ها و اقدامات نهاد سیاسی نسبت به این دو مقوله - افیون و مسکرات - اهمیت دارند. هر چند بیرون کشیدن داده‌های مربوط به افیون و مسکرات از این منابع کاری دشوار است اما از این جهت اهمیت دارند که معمولاً وقایع در آن‌ها براساس زمان تنظیم شده و به زمانمندی این مقاله کمک شایانی کرده است. متون تاریخ‌نگارانه عبارتند از خلاصه‌التواریخ، تاریخ ایلچی نظام شاه، احسن‌التواریخ، جواهر الاخبار، تکملة الاخبار، تاریخ حبیب‌السیر، نقاوة‌الآثار و تذکره‌های مهم شامل تذکره تحفه سامی، گلستان هنر، هفت اقلیم می‌باشند.^۱

۲. متون پزشکی برای شناخت ماهیت افیون و مسکرات و پیامدهای پزشکی اعتیاد به آن، اهمیت دارند. رساله افیونیه، طب یوسفی (جامع‌الفوائد)، ریاض‌الدویه، تریاک فاروق، قرا‌بادین حسینی شفقانی^۲ از جمله متونی هستند که در این دوره به نگارش درآمده‌اند. از میان این متن‌ها رساله افیونیه اثر عمادالدین شیرازی مبنای مهمی برای این پژوهش است. نویسنده رساله افزون بر این که اطلاعات ذی‌قیمتی درباره افیون از کتب پیشینیان گرد آورده، با توجه به شرایط ویژه عصر خود دست به ابتکاراتی در زمینه شناخت افیون و مسائل مرتبط با آن زده است. لغات و اصطلاحات تخصصی که در این رساله و دیگر متون پزشکی آن دوره وجود دارد، مطالعه آن‌ها را برای پژوهشگر امروزی دشوار می‌کند.

۱. برای آگاهی از سایر مشخصات به کتابنامه مراجعه شود.

۲. برای آگاهی از سایر مشخصات به کتابنامه مراجعه شود.

۲. تولید و داد و ستد افیون

برخی بر این باورند که افیون با سپاه اسکندر مقدونی به ایران آمد و برای اولین بار در متون دوره ساسانی به آن اشاره شده است (Matthee, 2005: 97). این در حالی است که به باور پورداد افیون در همان نخستین سده هجری با عرب‌ها به ایران آمد و آن‌ها پیشتر از طریق مصریان با این ماده آشنا شده بودند (پورداد، ۱۳۸۳: ۱۱۶). خشخاش از دوران باستان در مصر علیا کاشته می‌شد^۱ و بعد از عهد جنگ‌های صلیبی زراعت آن در آسیای صغیر رواج یافت و از آنجا به ایران آورده شد (طاهری، ۱۳۵۴: ۳۲۸). در دوره اول صفوی شواهد و قراینی موجود است که نشان می‌دهد کشت خشخاش دست‌کم در یک منطقه از خاک ایران انجام می‌شده است؛ در کازرون از توابع فارس افیون بسیار به عمل می‌آمد. در فرمانی از شاه تهماسب به تهیه تریاک کازرونی جهت مصارف دربار شاهی اشاره شده است (حسینی، بی تا: ۷۹۵؛ حسینی مرعشی تبریزی، ۱۳۷۰: ۴۰۹). با این حال به نظر می‌رسد تریاک کازرون مصرف داخلی را بسنده نبود. از این رو افزون بر تولید داخلی، افیون از حوزه دریای سرخ از دو شهر قاهره و عدن بارگیری می‌شد و به هرموز می‌رسید (Matthee, 2005: 99). با توجه به این که اداره هرموز در این زمان در دست پرتغالی‌ها بود می‌توان چنین نتیجه گرفت که پرتغالی‌ها در وارد کردن این ماده پرسود به داخل ایران نقش داشتند.

۳. رد پای افیون در فرمان منع ناهنجاری

با روی کار آمدن صفویه و پذیرفتن تشیع به عنوان مذهب رسمی انتظار می‌رفت دگرگونی‌های رفتاری اساسی برپایه مذهب جدید در جامعه روی دهد. سیزده سال اول دوره شاه اسماعیل به تکاپوهای رزمی سپری شد و ده سال آخر آن علی‌رغم پاره‌ای اقدامات، امکان چندانانی در خصوص گسترش نهاد دینی فراهم نیامد. شاه تهماسب در دهه اول حکومتش با سرکوب سران جاه طلب قزلباش دولتش را تثبیت کرد و زمینه لازم را برای تشکیل و استمرار نهاد روحانیت شیعی فراهم کرد (آقاجری، ۱۳۸۹: ۸۷-۹۴).

۱. درباره‌ی کشت تریاک در مصر در قرن پنجم هجری نک: (ناصر خسرو، ۱۳۵۵: ۲۹۲)

همکاری علمای جبل عامل به ویژه شیخ علی بن عبدالعال کرکی با حکومت صفوی، برای تهماسب این امکان را فراهم کرد تا هرچه بیشتر سیاست هایش را با فقه شیعی هماهنگ سازد. در سال ۹۳۹ ق طی فرمانی - طبق احسن التواریخ - تمامی مسکرات، غنا، قمار و قجگی را ممنوع کرد. مسکرات جزء اصلی منعیات شاه در تمام منابعی که این واقعه را گزارش کرده اند بود. در فرمان منع شاه تهماسب، برخلاف تصور برخی محققان، به افیون اشاره نشده است. روملو، منشی قمی، عبدی بیگ شیرازی، اسکندر بیگ منشی و محقق سبزواری هیچ اشاره ای به این که افیون در شمار منعیات بوده نمی کنند (روملو، ۱۳۵۷: ۳۲۳؛ منشی قمی، ۱۳۸۳: ۱/ ۲۲۵؛ عبدی بیگ شیرازی، ۱۳۶۹: ۷۷؛ اسکندر منشی، ۱۳۸۲: ۱۲۲/۱؛ محقق سبزواری، ۱۳۸۳: ۱۶۹). در فرمانی که بر روی سنگ ها کنده شده و در مساجد جامع جهت اطلاع رسانی عمومی نصب کرده اند - در مسجد جامع کاشان، بقعه شیخ صفی در اردبیل و مسجد جامع اصفهان این فرامین تاکنون حفظ شده است - منع شراب خانه، بنگ خانه، معجون خانه، بوزه خانه،^۱ قوال خانه،^۲ بیت اللطف،^۳ قمارخانه، کبوتربازی و برخی رفتارهای نامشروع دیگر ذکر شده است (نوایی، ۱۳۵۰: ۵۱۳-۵۱۴؛ صفری، ۱۳۷۱: ۲۲۵؛ کارنگ، ۱۳۵۱: ۲/ ۱۴۳-۱۴۵). واژه «معجون فروشی» که در این فرمان ها و برخی متون تاریخی (جنابدی، ۱۳۷۸: ۴۲۱) آمده است، به ترکیب هایی که در آن ها علاوه بر افیون، موادی نظیر شراب یا بنگ اضافه شده بود، اشاره می کند. منع این نوع ترکیب ها به خاطر حرمت شرعی آن ها بود. در متون فقهی بنگ و سایر مشتقات گیاه شاهدانه به صراحت تحریم شده است (شیخ بهائی، ۱۳۸۶: ۱۳۸۶، ۷۶۲، ۸۲۱، ۹۳۳؛ مجلسی، بی تا: ۳۲؛ مجلسی، ۱۴۱۲: ۶۱۸). اما افیون اگر با شراب - که در فقه صراحتاً تحریم شده (شیخ بهائی، ۱۳۸۶: ۷۵۶-۷۷۱) - ترکیب نمی شد حرام نبود (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۳۹۵؛ اسکندر منشی، ۱۳۸۲: ۱۲۳/۱؛ حسینی منشی، ۱۳۸۵: ۴۰۶). از این رو در سراسر دوره صفوی برخی افراد که به رعایت احکام فقهی پایبند بودند هم از مصرف آن ابایی نداشتند

۱. بوزه شراب غیر انگوری (شراب برنج و جو) را می گفتند.

۲. قوالان کسانی بودند که حکایات و اشعار را با آواز می گفتند.

۳. محل گرد آمدن قجگان.

و آن را جایگزینی حلال برای مسکرات می‌دانستند (منشی قمی، ۱۳۸۳: ۲/۶۲۹؛ فخرالزمانی، ۱۳۶۲: ۴۳۸-۴۳۹؛ شاردن، ۱۳۷۲/۱۳۴۷: ۸۴۷؛ جملی کارری، ۱۳۴۸: ۱۴۴).

یکی از فرمان‌های شاه تهماسب که می‌توان آن را جزء فرمان‌های تکمیلی منع ناهنجاری‌ها دانست، حل کردن پانصد تومان تریاک فاروق در آب است. برخی محققان این فرمان را در راستای منع حکومتی افیون قلمداد کرده‌اند (فلسفی، ۱۳۵۳: ۲/۲۷۲؛ Matthee, 2005: 114-113). این در صورتی است که در بیشتر منابع تصریح شده که این فرمان به خاطر آمیختن این نوع تریاک با شراب^۱ و حرمت آن صادر شده است (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۳۹۵؛ اسکندر منشی، ۱۳۸۲: ۱/۱۲۳؛ حسینی منشی، ۱۳۸۵: ۴۰۶). مؤید دیگری که نشان می‌دهد افیون در شمار ناهنجاری‌های منع شده نبوده است، گزارش خورشاه بن قبادالحسینی است که اظهار می‌دارد از تاریخ فرمان منع تا سال ۹۷۱ ق به جز افیون از باقی مکيفات چیزی در میان نیست (خورشاه بن قباد الحسینی، ۱۳۷۹: ۱۱۸). استثنا شدن افیون نشان می‌دهد افیون تنها ماده لذت آور یا کیفی بود که به‌طور رسمی ممنوع نشد و به‌عنوان یک جایگزین، بار ممنوعیت سایر مواد لذت آور را به دوش کشید و به‌طور گسترده‌تری مورد استفاده قرار گرفت. در نتیجه پدیده اعتیاد به‌طور چشمگیری در جامعه پدیدار شد.^۲

۴. علل جایگزینی افیون

برای ارائه تحلیل درست از علل جایگزینی افیون به‌جای مسکرات، لازم است قضاوت مردمان آن دوره را راجع به افیون دانست. در یک گروه‌بندی که از سوی عمادالدین شیرازی ارائه شده مردم آن دوره از نظر قضاوت درباره افیون به سه دسته تقسیم می‌شدند:

۱. کسانی که در ناپسند شمردن افیون مبالغه می‌کرده حتی از به‌کاربردن آن برای درمان بیماری نیز پرهیز می‌کردند.

۱. جهت آگاهی از وجود شراب در تریاک فاروق نک: (حسینی شفانی، ۱۳۸۳: ۳۴؛ گنجینه بهارستان (مجموعه ۳ رساله در پزشکی)، ۱۳۸۶: ۲/۲۴۹-۲۱۷)

۲. این در حالی بود که یکی از حکام ترکستان در همین عصر مدتی افیون و کوکنار را منع کرد. (محمدیار بن عرب قطغان، ۱۳۸۵: ۱۶۱)

۲. کسانی که به طور مرتب، حتی برای کوچک‌ترین مورد مانند گزشِ پشه، آن را به کار می‌بردند.
۳. کسانی که هرگاه افیون را مفید می‌دانستند استفاده می‌کردند و هرگاه مضر تشخیص می‌دادند از به کار بردن آن پرهیز می‌کردند (عمادالدین شیرازی، ۱۳۸۸: ۲۵). دسته‌بندی فوق نشان می‌دهد اکثریت جامعه در استفاده از افیون دچار افراط و تفریط بودند و تنها افراد اندکی، این ماده را در جای خود به کار می‌بردند.

الف. منافع افیون

منافع یا مضراتی که تصور می‌شود در یک ماده وجود دارد بر اقبال یا عدم اقبال جامعه به آن مؤثر است. از این رو لازم است تصورات جامعه و به‌ویژه جامعه پزشکیان آن عصر - که در واقع مورد مراجعه جامعه، برای کاربرد مواد دارویی بود و ریشه بسیاری از باورهای جامعه در مورد کاربرد این مواد به آن‌ها بازمی‌گشت - راجع به افیون بیان شود. در عصر صفوی افیون کاربرد فراوان داشت. از جمله کاربردهای آن قوت مضاعف بخشیدن به انسان و حیوانات بارکش و سواری بود. یکی از توصیه‌هایی که به مسافر در هنگام شدت یافتن سرما می‌شد به کاربردن مقداری افیون بود (شریف، ۱۳۸۷: ۳۲، ۲۳). برشمردن منافی که مردمان آن زمان، به‌ویژه جامعه پزشکی آن روزگار، برای افیون قائل بودند می‌تواند پاسخی به این سؤال باشد که چرا در جامعه صفوی پس از منع مسکرات، مصرف افیون در طول زمان بیشتر شد. منافع متعدد افیون بنا بر رساله افیونیه - که می‌توان آن را جامع‌ترین توصیف از منافع افیون در پزشکی سنتی ایران دانست - چنین است:

۱. تسکین درها.
۲. بیدار نگه داشتن انسان به‌ویژه برای مسافران تا در شب‌گیرها خواب بر ایشان غالب نشود و از بی‌خوابی مضرر نشوند.

۳. وجد و نشاط در کارها؛ نَساک و عبادت جهت بیداری شب و توجه تام در خلوت و دعا و قرائت استعمال می کنند و پیاده روان و صاحبان مشاغل سخت و افعال دقیقه مانند کاتب و نقاش و طالب علم به افیون بسیار مایل بودند.
۴. رفع غم و اندوه؛ برای کسانی که دچار بحران‌های زندگی می شوند.
۵. برای رفع اثر گزیدگی جانوران به ویژه زنبور.
۶. رفع آثار گیجی و بی خودی پس از خوردن مسکراتی همچون شراب و بنگ.
۷. جلوگیری از دیوانگی؛ اگر با آش جو ترکیب شود فایده اش بیشتر است.
۸. دفع سردی هوای زمستان به ویژه برای مسافران.
۹. رفع تأثیر بیماری مسری و با.
۱۰. تحمل گرسنگی و تشنگی. هر چند شیرازی تحمل در گرسنگی و تشنگی را بسیار مضر می داند اما در مواقع خاص مانند سفرها، ایام روزه و زمان‌های قحطی آب و غذا آن را سودمند می داند.
۱۱. جلوگیری از سرعت انزال در عمل جنسی.
۱۲. کاهش قوه باه، برای کسانی که همسر ندارند یا مسافر هستند (عمادالدین شیرازی، ۱۳۸۸: ۵۲-۵۸).

کاربردهای افیون در پزشکی غیرقابل انکار بود. عمادالدین شیرازی اکثر بیماران را به افیون مداوا می نمود (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۴۵۴-۴۵۵). بررسی کتب پزشکی این عصر نشان می دهد در بسیاری از ادویه‌های ترکیبی مورد استفاده برای درمان بیماران، افیون به کار می رفت (حسینی شفائی، ۱۳۸۳: ۳۱۲، ۲۸۴، ۲۸۳، ۲۷۹، ۲۷۱، ۲۴۹، ۲۴۸، ۲۷؛ حکیم مؤمن، ۱۳۹۰: ۱۸۲، ۱۷۷، ۱۷۵؛ شریف، ۱۳۸۷: ۴۵، ۲۳؛ عمادالدین شیرازی، ۱۳۸۸: ۱۰۸-۱۰۹؛ یوسفی هروی، ۱۳۸۲: ۱۲، ۳۰، ۱۳۸، ۱۷۰؛ یوسفی هروی، ۱۳۹۱: ۴۴، ۱۷۲، ۱۹۸، ۲۰۴). افزون بر منافع پزشکی افیون، در زندگی روزمره دانه خشخاش و رازیانه را بر نان می پاشیدند. از این نان‌ها به فرمان شاه تهماسب برای پذیرایی از همایون فرمانروای فراری هند تهیه شده بود («جنگ نظم و نثر بیاضی»، بی تا ر ۳۲).

ب. جایگزین مسکرات

یکی از کاربردهای که برای افیون تصور می‌شد «غم‌زدایی» بود. رفع غم و دادن «کیف» یا لذت از ویژگی‌های مشترک افیون و مسکرات بود. از این رو افیون می‌توانست جایگزین مناسبی برای شراب و سایر مسکرات - که از نظر شرعی هم حرام بودند- باشد. «بسیار از مردم را اعتیاد به افیون جهت این است که ایشان را جهت انقلاب روزگار، غم و هم بسیار دست می‌دهد و ارتکاب این می‌کنند... کم باشد که ارباب هم و غم ارتکاب آن نکنند» (عمادالدین شیرازی، ۱۳۸۸: ۵۴).

در واقع خاصیت غم‌زدایی افیون و انواع مسکرات ناشی از انحراف فکر و روان فرد رنجور و غمگین از موضوعی است که او را غمین ساخته است. پیش از فرمان منع، شراب مهم‌ترین ماده لذت‌زا و غم‌زدا در محافل شاه و نخبگان حکومتی بود. بسامد اخباری که در دوره پیش از منع شاه تهماسب راجع به شراب‌نوشی موجود است، درستی این ادعا را اثبات می‌کند. سراینده شاه/اسماعیل‌نامه بارها به خاصیت غم‌زدایی و لذت‌آوری شراب اشاره کرده و بزم‌های شراب شاه اسماعیل را در همین راستا توجیه می‌کند: «بیا ساقی آن جام مردآزمای/ که بنیاد غم را درآرد ز پای قدح نوش و از محنت آزاد باش/ اگر می‌توانی دمی شاد باش» «چنان کن مرا از می دل‌فروز/ که روز از شب و شب ندانم ز روز» «بده می که از دل برد غم مرا/ کند فارغ از هر دو عالم مرا» (قاسمی گنابادی، ۱۳۸۷: ۳۵۲، ۳۴۹، ۳۳۷، ۲۹۷). قزلباش‌ها نیز همچون مرشد کامل خود، شاه اسماعیل اول، دشواری‌های تکاپوهای نظامی دوره تأسیس حکومت صفویه را با نوشیدن مسکرات التیام می‌بخشیدند و از شراب در برابر دشمنان دلیری می‌جستند. به گفته شاه تهماسب، دورمش خان و تمامی امرای شاه اسماعیل در جنگ چالدران مست بودند، زیرا شب تا صبح شراب خورده بودند و صبح به میدان نبرد وارد شدند (منشی قمی، ۱۳۸۳: ۱/۲۳۲). منابع گزارش‌های فراوانی از شراب‌نوشی صاحب‌منصبان، سرداران و حاکمان ایالات و برخی از مردم عادی در زمان شاه اسماعیل اول ارائه کرده‌اند (اسناد روابط تاریخی ایران و پرتغال، ۱۷۵۱، ۱۳۸۲: ۳۷۷، ۱۰۱؛ افوشته‌ای نطنزی، بی‌تا: ۲۳۴، ۲۰۶؛ بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱/۴۰۹؛ روملو، ۱۳۵۷: ۵۵۰-۵۵۱؛ فومنی، ۱۳۴۹: ۲۹۸-۲۹۹؛ لاهجی، ۱۳۵۲: ۲۵۵؛ منشی قزوینی،

۱۳۷۸: ۱۳۰). این حجم از داده‌ها نشان می‌دهد هیچ منعی برای شراب‌نوشی وجود نداشته است.

شاه تهماسب و سایر صاحب‌منصبانش نیز تا سال ۹۳۹ ق - نوزده سالگی شاه - هرگاه میل به نوشیدن می‌کردند، آزادانه در محافل به شراب می‌نشستند. بنابر گفته ابوالحسن قزوینی، شاه تهماسب اول در سن شانزده سالگی به ترغیب امرا میل شراب نمود (قزوینی، ۱۳۶۷: ۲۷). تهماسب در هنگام جلوس ده ساله بود، بنابراین براساس گفته قزوینی او در شش سال اول فرمانروایی اش شراب نمی‌نوشید. با این حال برخی قراین نشان می‌دهد تهماسب در سنین پایین‌تر در بزم‌هایی که در آن‌ها شراب نوشیده می‌شد شرکت داشته است. در سال ۹۲۸ ق شاهزاده تهماسب میرزا در حالی که هشت ساله بود، همراه یکی از صاحب‌منصبان نظامی در بزمی که «جام‌های باده خوشگوار از دست ساقیان خورشید دیدار» نوشیده می‌شد در سبزوار حضور داشت (خواند میر، ۱۳۸۰: ۵۸۷). مستوفی بافقی نیز روزگار انس تهماسب به شراب را به دوران پدرش نسبت می‌دهد که در آن ایام سحرگاهان و شبانگاهان به میگساری می‌پرداخت (مستوفی بافقی، ۱۳۸۵: ۱/۴۲۷). به نظر نمی‌رسد این ادعای او با حقیقت قرین باشد: اول این که کودکی که هنوز ده سالش نشده بعید است سحرگاهان و شبانگاهان به شراب بنشیند، از سوی دیگر جامع مفیدی در اواخر قرن یازدهم بین سال ۱۰۸۰ق تا ۱۰۹۰ق تألیف شده، بنابراین بعید است روایتی دقیق از زندگی شخصی یک شاهزاده که در اوایل قرن دهم می‌زیسته، بنگارد و ادعایی را مطرح کند که منابع پیش از او به آن اشاره نکرده‌اند.

گزارش‌ها نشان می‌دهد با آن که صفویان، با ترویج تشیع به حرکت خود صبغه دینی بخشیده بودند تا سال ۹۳۹ ق شراب‌نوشی در بین نجبگان حکومتی از لوازم زندگی و جزئی از سبک زندگی آن‌ها شده بود. بعد از فرمان منع سال ۹۳۹ ق برای کسانی که به مصرف مسکرات عادت کرده بودند، دست برداشتن از آن بسیار دشوار بود. آن‌ها دو راه پیش رویشان می‌دیدند: یا همچنان رویه پیشین را در پیش گیرند و به شراب‌نوشی ادامه دهند یا ماده‌ای دیگر را که اثرات مشابهی داشته باشد، به کار برند. برخی از کسانی که راه اول را برگزیدند به سختی تنبیه شدند و گاه این تمرّد از امر حکومتی به قیمت جانشان تمام

شد (منشی قمی، ۱۳۸۳: ۲۲۵/۱). با این حال عده‌ای که به نظر می‌رسد بیشتر از نظامیان بودند، شراب‌نوشی را ترک نکردند زیرا در سال ۹۶۳ ق شاه دین‌پناه ناچار شد دوباره فرمان منع خود را تجدید کند و سپاهیان را توبه دهد (همان، ۳۸۶). پیش از این در توبه اول - سال ۹۳۹ ق - مقرر شده بود مردم عادی از شرب شراب و خوردن بنگ و بوزه و باقی مسکرات منع شوند و به قول سیزواری مردم را به محکمه قضات اسلام برده از جمیع قبایح توبه دهند؛ و در هر محلّه و هر کوچه و جمیع مساجد کسانی را به کار گرفتند که عوام را ضروریات دین و ارکان خمسه اسلام تعلیم نمایند و از هر کس امری خلاف شرع واقع شود، طبق شرع به جزا رسانند. بنابراین مردمان جمیع ممالک محروسه توبه کردند و آداب طهارت و نماز و روزه و حج و ادای زکات مفروضه را یاد گرفتند. بعضی از مردم از صمیم قلب توبه کردند و برخی از ترس حکومت. به هر حال بعد از توبه چون اسباب فسق و فجور در دسترس نبود و اگر کسی مخفی به دست می‌آورد باید خطرات جانی و مالی را به جان می‌خرد، از مناهای پرهیزی می‌کردند و عادت طبیعت ایشان از آن برطرف شد (محقق سیزواری، ۱۳۸۳: ۱۶۹). برخی اظهارات سیزواری قابل تأمل است؛ اول این که او مدعی است بعضی از مردم از صمیم قلب توبه کردند و برخی از ترس حکومت، به این ترتیب به زعم ایشان همه مردم از منکرات توبه کردند و عادت به این رفتارها را از سر بیرون کردند. این در حالی است که اقدامات تهماسب اول منکرات را آن گونه که سیزواری ادعا می‌کند به کلی ریشه کن نکرد، چون اگر چنین ادعایی واقعیت داشت فرمان توبه دوم معنایی نداشت. به نظر می‌رسد هدف سیزواری از بیان این مطالب جلب توجه شاه زمان خود - عباس دوم - به اقدامات ضد منکراتی تهماسب اول و برانگیختن او در جهت مبارزه با ناهنجاری‌های زمان خودش بود.

هر چند این سخت‌گیری‌ها باعث شد مصرف مسکرات دست کم در ملائع کم برطرف شود اما گزارش‌ها نشان می‌دهد اعتیاد پایان نیافت، بلکه مسیر خود را به سمت افیون منحرف کرد. مصرف کنندگان مسکرات راه دوم یعنی روی آوردن به ماده‌ای دیگر (افیون) را برگزیدند. کاربرد افیون در میان شاهزادگان و صاحب‌منصبان افزایش یافت، این در صورتی است که پیش از منع اخبار کاربرد افیون در این اقشار به ندرت بیان شده است.

بسامد اخبار مصرف افیون بعد از منع ناهنجاری‌ها، می‌تواند مؤید این فرض باشد که مصرف افیون افزایش یافت و در مواردی جایگزین مصرف شراب شد. در ادامه مصداق‌های مصرف افیون پس از فرامین منع، بیان می‌شود.

داده‌های موجود دربارهٔ افیون از دورهٔ اول حکومت صفوی (۹۰۷-۹۹۶ ق)، عمدتاً متعلق به بعد از صدور فرمان منع ناهنجاری‌هاست. اعتیاد شاهزادگان به افیون در این دوره با دورهٔ اخیر در پیوند است. شاهزاده بهرام میرزا پسر شاه تهماسب، که در سن ۳۳ سالگی در شب جمعه ۱۹ رمضان ۹۵۶ ه. ق درگذشت، به افیون معتاد بود. علت مرگ او تغییر مقدار افیون مصرفی و اعتنانکردن پزشکان به نسخه‌ای که عمادالدین شیرازی برای ترک شاهزاده در نظر گرفته بود گزارش شده است (عمادالدین شیرازی، ۱۳۸۸: ۹۹-۱۰۱؛ منشی قمی، ۱۳۸۳: ۱/ ۳۴۰-۳۴۱). شاهزادهٔ دیگر، سلیمان میرزا که برادر تنی پریخان خانم بود پنج سال پس از مرگ بهرام میرزا در سن ۲۳ سالگی یعنی شب چهارشنبه ۲۴ ربیع‌الثانی سال ۹۶۱ ق فوت کرد. او در مشهد منصب خادم‌باشی داشت و تحت تأثیر علمای مذهبی «مرتکب نامشروعات به هیچ وجه نمی‌شد بلکه درین مدت کبیره و صغیره ازو صادر نشد و در کرم و سخا و مروت ثانی نداشت... اما تریاکی گذره^۱ بود و به هیچ چیز اعتماد برو نبود». (منشی قمی، ۱۳۸۳: ۲/ ۶۲۹) این گزارش منشی قمی به صراحت بیانگر این است که استعمال افیون و اعتیاد به آن از سوی شاهزاده، به هیچ وجه رفتاری خلاف شرع نبوده است. شاه تهماسب سلیمان میرزا را برای ترک نمودن تریاک به پایتخت فراخواند. مادرش سلطان آغا خانم از حرم به منزل وی آمده پزشکانی را به منظور ترک دادن او تعیین کرد اما فایده‌ای نداشت (همانجا). شاهزادهٔ دیگر ابراهیم میرزا، با وجود آراسته‌بودن به هنرهای مختلف «بعضی ... وقت‌ها به خوردن فلونیا و تریاک اقدام می‌نمود» (منشی قمی، ۱۳۵۲: ۱۱۵-۱۱۶). بدلیسی در شرفنامه از اعتیاد حاکمان برخی مناطق کردستان به افیون و تلون مزاج آن‌ها بر اثر مصرف آن، سخن می‌گوید (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۲/ ۴۵۴ و ۱۹۸-۱۹۹). شاه منصور سپه‌سالار دیلمان که خان احمد، حاکم یاغی گیلان او را در سال ۹۷۵ ق همراه نیروهای

۱. تریاکی گذره یا گذرا به معنای اعتیاد به افیون است. این گزارش منشی قمی به صراحت بیانگر این است که استعمال افیون و اعتیاد به آن به هیچ وجه رفتاری خلاف شرع نبوده است.

۵۲ / تأثیر فرمان منع مسکرات شاه تهماسب اول بر مصرف افیون در دوره اول حکومت صفوی (۹۰۷-۹۹۶ ق)

دیگر برای رویارویی با سپاهیان حکومت مرکزی فرستاد، تریاکی بود و سرانجام در شب آخر زندگانی اش درحالی که زخمی شده بود و به تریاک دسترسی نداشت در میان برف و سرما مانده و به مرض خون شکم گرفتار شد و به همان مرض فوت شد (منشی قمی، ۱۳۸۳: ۱/۴۷۵).

گرانی تریاک مؤید این است که در این دوره تمام اقشار جامعه به خوردن آن معتاد نبودند زیرا از پس مخارج همیشگی آن بر نمی آمدند. با این حال عده زیادی، حتی کسانی که با دین و مذهب مرتبط بودند، افیون را به کار می بردند و به آن عادت کرده بودند. شیرازی می نویسد: «عجب دانم که بقعه ای از بقاع باشد خواه اهل مدرسه و خواه اهل خانقاه و خواه اصحاب دیر در زمان ما که جمعی کثیر استعمال آن می کنند» (عمادالدین شیرازی، ۱۳۸۸: ۵۲) معتادین از قشرهای مختلف بودند، هرچند شیرازی اظهار می دارد که معتادین اکثر «اصحاب فهم و عقل و رأی صائب» می باشند، اما انکار نمی کند که عده ای به تقلید از گروه اول معتاد شده اند «که خود تمیزی ندارند اما تقلید اهل تمیز می کنند». عبادت کنندگان جهت بیداری شب و توجه تام در خلوت و دعا و قرائت و پیاده روان و کسانی که کارشان سخت بود و یا کسانی که تمرکز و دقت در کارشان اهمیت داشت مثل کاتب و نقاش و طالب علم و... به افیون گرایش داشتند. همچنین مسافران که در شب راه می پیمودند افیون می خوردند تا خواب بر آن ها غالب نشود و گرفتار راهزنان نشوند (همان، ۵۳-۵۴، ۷۲).

۵. پیامدهای اجتماعی

الف. ظهور مسئله سوء مصرف افیون در جامعه

سوء مصرف افیون در مصارف درمانی به وجود نمی آید بلکه مصرف مداوم یا اعتیاد، که از ویژگی های ذاتی افیون است، باعث به وجود آمدن بیشتر مضرات آن است. افیون در مصارف درمانی و در ابتدای مصرف شخصی، مسکن است و اثر ضد ترس و ضد افسردگی دارد، اما مصرف درازمدت آن در مصرف کننده احساس افسردگی، ترس و درد بیشتر ایجاد می کند. از آثار درازمدت تریاک به سستی عضلات، ضعف اراده، کم اشتها،

یبوست و ضایعات مغزی اشاره شده است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸: ۱۸۴). یوسفی هروی با آن که افیون را در درمان برخی بیماری‌ها مفید می‌داند، اعتیاد به آن را کاری ناپسند می‌شمارد: «دردها را برَد تمام از تن / لیک نبود بر او نکو ادمان»^۱ (یوسفی هروی، ۱۳۸۲: ۱۷۳). رساله افیونیه - که اولین تألیف تخصصی و مستقل درباره مصرف صحیح و سوء مصرف افیون در پزشکی سنتی ایران است - در دوره پس از منع ناهنجاری‌ها نگاشته شده است. تألیف این رساله در این دوره، از تغییری که در نوع و میزان مصرف افیون رخ داده حکایت می‌کند و مؤید تحولی است که پیش از آن دوره وجود نداشته است. این رساله از نظر داده‌شناسی بر تجربیات بالینی که خود نویسنده درگیر آن بوده و اطلاعات حرفه‌ای او به‌عنوان یک پزشک و یافته‌های پیشینیان، مبتنی است. مؤلف که خود گرفتار اعتیاد به افیون شده بود، نسخه‌های متعددی را برای رهایی از اعتیاد به کار بست، سپس آن‌ها را در رساله افیونیه برای استفاده عموم عرضه کرد. بی‌تردید ضرورتی که شیرازی را به تألیف چنین کتابی واداشت افزایش خیل معتادان و مسائل جدیدی بود که برای مصرف‌کنندگان دائمی افیون به وجود آمده بود.

عمادالدین شیرازی باب هفتم رساله افیونیه را به مضرات افیون اختصاص داده است. او زیان‌های افیون را خارج از شمار می‌داند و می‌نویسد: «همین مضرت کافی است که در مواضعی که نفع از او متوقع است، اگر نه به طریقی که می‌باید که استعمال کنند، مضرت بلیغ می‌رساند و دیدن جمعی که از استعمال این هلاک شده‌اند کافی است برای توضیح مضرت آن». از جمله مضرت‌ها: لاغری و ضعف بدن، تقلیل فهم و اضعاف فکر، کندی بصر، ثقل سمع، بی‌ثباتی در رفتار و کردار، ضعف روح، ضعف دماغ، ضعف قلب، ضعف کبد، ضعف معده، ایجاد نفخ و قولنج،^۲ عسر البول،^۳ در بعضی اوقات خشکی دماغ و انف^۴ و خشکی دهان، گرفتگی صدا، تخدیر حس، بخل، ضعف باه، تقلیل نسل، گوشه‌نشینی و

۱. در اینجا منظور از لغت ادمان اعتیاد و وابستگی و مداومت در مصرف افیون است.

۲. دردهایی که در ناحیه روده‌ها ایجاد می‌شد.

۳. به سختی ادرار کردن را گویند.

۴. بینی.

۵۴ / تأثیر فرمان منع مسکرات شاه تهماسب اول بر مصرف افیون در دوره اول حکومت صفوی (۹۰۷-۹۹۶ ق)

دور شدن از جمع و باعث بیماری کزاز، دق و صرع است (عمادالدین شیرازی، ۱۳۸۸: ۶۰-۶۳).

در باب نهم به این بحث مهم پرداخته شده که معتادین چگونه می‌توانند خود را درمان کنند. به نظر عمادالدین برای نیل به این مقصود سه راه وجود دارد: اول طولانی کردن فواصل استعمال، دوم تقلیل مرتب میزان مصرف و روش سوم جایگزین کردن ماده کم‌ضررتر دیگر همچون بیخ چینی^۱ به جای افیون. در ابواب دهم و یازدهم، این موضوع مورد بحث قرار گرفته است که ترک ناگهانی تریاک چه عوارضی دارد و این عوارض را چگونه می‌توان برطرف ساخت. در باب دوازدهم چگونگی خوردن افیون در هنگام بیماری بیان شده است. در همین جا در تأیید نظریات خود به شرح حال یکی از شاهزادگان صفوی به نام بهرام میرزا، که معتاد به افیون بود، می‌پردازد. او مدعی است چون در درمان شاهزاده به توصیه‌های او توجه نکردید، منجر به مرگ او شد. باب سیزدهم زمان استعمال افیون - بعد از غذا یا قبل از غذا - بیان شده و در باب چهاردهم راهکارهایی برای افرادی که اعتیاد داشتند و می‌خواستند در ماه رمضان روزه بگیرند، ارائه شده است (همان، ۷۱-۱۰۷).

در دوره مورد پژوهش، افزایش معتادان و تقاضای روزافزون برای تهیه افیون با تولید و عرضه محدود این ماده سازگاری نداشت. از این رو فروشندگان برای سود بیشتر و پاسخگویی به مشتریان انبوه‌تر علاوه بر گران کردن افیون، افزودن غش^۲ بر آن را، راه‌حل مناسبی دانستند. البته افزودن غش در آن عصر مخصوص افیون نبود اما در مورد افیون افزودن غش ساده‌تر و عملی‌تر بود زیرا طعم و رنگ و خاصیت آن بر اثر افزودن غش به‌سختی قابل تشخیص است (همان، ۳۶-۳۵).

۱. بیخ چینی یا چوب چینی ساقه زیر زمینی گیاه *Smilax glabra roxb* از خانواده سوسنیان با بوته‌ای بالارونده و خاردار است. برگ این گیاه سبز و به شکل بیضی مایل به دایره و میوه‌ای شبیه گیلاس دارد. رساله بیخ چینی تألیف حکیم عمادالدین محمود بن مسعود شیرازی اولین نگاه‌شده طبی پیرامون خواص، طبایع و منافع چوب چینی است. این رساله در سال ۱۲۸۳ توسط دانشگاه علوم پزشکی ایران به چاپ رسیده است.

ب. خودکشی یا کشتن با افیون

یکی از کاربردهای افیون که در دوره پس از فرمان منع به آن اشاره شده است، خوراندن افیون به مقدار زیاد برای کشتن افراد یا خودکشی بود. افیون فعالیت سیستم عصبی را کاهش می‌دهد از این رو عضلات را شل کرده اضطراب را از بین می‌برد و درد را تسکین می‌دهد، با این حال اختلال تنفسی ناشی از زیاده‌روی در مصرف آن یا ترکیباتش خطر مرگ را در پی دارد (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۸: ۱۷۴-۱۷۵). با وجود اطلاعات مربوط به خودکشی با افیون در کتب پزشکی عصر، نشانه معمول بودن این روش خودکشی به خاطر سهولت آن و در دسترس بودن این ماده است. عمادالدین شیرازی می‌نویسد خوردن روغن کنجد بعد از افیون، خودکشی غیرقابل برگشت را در پی دارد: «جمعی که بر این اطلاع داشته‌اند افیون جهت هلاک خورده‌اند و روغن کنجد از عقب آن تا قابل علاج نباشد» (عمادالدین شیرازی، ۱۳۸۸: ۱۳۳). در کتب طبی این دوره نیز نسخه‌هایی برای درمان کسی که افیون به مقدار «قاتل» خورده، موجود است (حسینی شفایی، ۱۳۸۳: ۱۰۵؛ عمادالدین شیرازی، ۱۳۸۸: ۴۷ - ۴۸). در دسترس بودن این ماده، نشانه‌ای از افزایش مصرف کنندگان و معتادان به افیون بود.

روایتی از مرگ شاهزاده‌ای به نام سلیمان میرزا - که نوه دختری شاه تهماسب بود - در دست است که نشان می‌دهد او را در سال ۹۸۴ ق، با خوراندن بیش از حد تریاک به دستور اسماعیل دوم، بر سر رقابت‌های جانشینی کشتند (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۸ / ۵۹۲۵). مشهورترین قتل با تریاک مربوط به یکی از شاهان این دوره یعنی اسماعیل دوم است. او به ترکیب‌های افیون‌دار معتاد بود. از ماجرای مرگ او، گزارش‌های ضد و نقیضی در دست است با این حال وجه مشترک همه این گزارش‌ها وجود ترکیب‌های افیونی و فلونیا است. برخی استعمال بیش از حد ترکیب‌های افیون‌دار و فلونیا را در مرگ شاه مؤثر می‌دانند و برخی داخل کردن سم در حقه فلونیای شاهی و ضایع کردن مهورنشان آن را عامل مرگ می‌دانند. دو دلیل برای مصرف مداوم این مواد توسط شاه اسماعیل دوم ذکر شده است: روایتی درد قولنج شاه را دلیل معتاد شدن او می‌داند و روایتی دیگر زندگی سخت او را پیش از رسیدن به شاهی عاملی برای لذت‌جویی و گشودن عقده‌هایش می‌دانند (اسکندر

۵۶ / تأثیر فرمان منع مسکرات شاه تهماسب اول بر مصرف افیون در دوره اول حکومت صفوی (۹۰۷-۹۹۶ ق)

منشی، ۱۳۸۲: ۱/ ۲۱۸-۲۱۹؛ افوشته ای نطنزی، بی تا: ۵۹؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۵۸۵؛ حسینی منشی، ۱۳۸۶: ۴۱۰؛ روملو، ۱۳۵۷: ۴۹۵، ۵۹۵؛ غفاری کاشانی، ۱۴۱۴ ق: ۳۸۰؛ قزوینی، ۱۳۵۹: ۳۴).

پ. تأثیر بر روابط اجتماعی

تأثیر افیون بر رفتار و خلق و خوی کسی که به سختی به مواد افیونی وابسته شده یا به اصطلاح اعتیاد پیدا کرده غیرقابل انکار است. فرد معتاد مهارت سازگارانه با زندگی را از دست می دهد و بیشتر اسیر اضطراب، خشم و ناامیدی می شود. به عبارت دیگر، او کنترل خود را بر رفتارهایش از دست می دهد (خرمی و سیف ۱۳۸۲، ۲۳) از این رو در روابط اجتماعی خود دچار مشکل می شود. تحقیقات زیادی نشان می دهد که معتادان دارای مشکلات جدی شخصیتی هستند (صابر، موسوی و صالحی ۱۳۹۰، ۴۰). افراد دارای سوء مصرف مواد با عدم شناخت صحیح از عواطف و احساسات خویش، توانایی اتخاذ رفتارهای صحیح، منطقی و مبتنی بر واقعیت را از دست می دهند. همچنین برخی از پژوهش ها از افسردگی افراد معتاد حکایت دارند، از این رو آنان در همدلی با دیگران منفعل هستند. آنها در جامعه محبوب نیستند و در تعامل های اجتماعی با سایرین توانایی برقراری رابطه همدلانه و عمیق را ندارند (ناطق و میناکاری، ۱۳۸۷: ۱۲۵).

تأثیر ناخوشایند افیون بر معتادین در منابع این دوره انعکاس یافته است. سام میرزا در تذکره اش از مولانا جنونی گیلانی یاد می کند که مردی دیوانه و شوش و سودایی مزاج بود و «از خوردن افیون بسیار، از دایره انسانیت بیرون رفته» بود (صفوی، بی تا: ۲۷۴). سلامی اصفهانی که در اردو بازار به کار مشغول بود از بسیار خوردن افیون به حالت مرگ افتاده بود (صفوی، بی تا: ۲۶۲). القاب «افیون خواره» و تریاکی نیز در متون این دوره به عنوان یکی از ویژگی های ناخوشایند فرد معتاد ذکر شده است (وحشی بافقی، ۱۳۶۳: ۵۳۷؛ منشی قزوینی، ۱۳۷۸: ۹۷۴).

مردم برخی شهرها همچون تبریز که در مسیر تجاری شرق به غرب قرار داشتند و جمعیتشان با استقرار گروه های مهاجر و بازرگانان دچار ناهمگونی شده بود، احتمالاً به

خاطر دسترسی آسان تر به تریاکی که در مسیر راه‌های تجاری دادوستد می‌شد، معتاد شده بودند. درباره تبریزيان نوشته‌اند: «فقير و غني آن ديار از كسب خالي نباشند... اكثر مردم تبرىز افیون می‌خورند و در صبح هر كس با ایشان سخن گوید جواب درشت شنود و بعد از پیشین که کیفیت ایشان رسیده باشد اگر از کسی صد دشنام شنوند به زبان تواضع و ملایمت جواب گویند» (حسینی، بی تا: ۷۷۹؛ خواند میر، ۱۳۸۰: ۶۵۳). این گزارش همچنین نشان می‌دهد با توجه به موقعیت تجاری تبریزي، مردم شهر هر کدام كسب و پیشه‌ای داشته‌اند و از پس مخارج اعتیاد به افیون برمی‌آمده‌اند ولی تأثیر افیون بر اخلاق و روابط اجتماعی آن‌ها نمایان بود.

۵. نتیجه

در دوره پیشاصفوی مقدار افیون مورد استفاده در جامعه اندك بود و بیشتر به مصارف درمانی می‌رسید. در قرن نهم به وجود تعداد اندكی معتاد به افیون — که بیشتر از اقشار بالای جامعه بودند— اشاره شده است. بررسی داده‌های موجود در منابع دوره نخستین صفوی روند شیوع اعتیاد به افیون در جامعه را پس از فرمان منع شاه تهماسب، يك روند رو به رشد نشان می‌دهد. در این دوره، نخبگان حکومتی و اقشار خاصی از جامعه، که پیش‌تر آزادانه از مسكرات بهره می‌بردند، به افیون روی آوردند و عده‌ای دیگر از مردم مصرف افیون را از گروه‌های ذكرشده تقلید کردند. در این دوره هیچ مانع سیاسی یا مذهبی از سوی حكومت و علمای مذهبی، برای استعمال افیون وجود نداشت. از این رو با توجه به ممنوعیت مسكرات گرایش به سمت مواد افیونی — که در عرف زمانه منافع متعددی را برای آن متصور بودند— افزایش یافت. افزایش مصرف افیون تبعات گوناگونی را برای جامعه به بار آورد، پدیده سوء مصرف مواد، با افزایش تعداد معتادان، برای اولین بار به یکی از معضلات جامعه تبدیل شد که ورود جدی جامعه پزشکی را می‌طلبید، از این رو تألیف رساله‌ای همچون رساله افیونیه ضرورت یافت. افزایش نیاز به افیون تجارت این ماده را تحت تأثیر قرار داد و كشت آن را در كازرون - از مناطق فارس - باعث شد. این دگرگونی‌ها افیون را به صورت ماده‌ای قابل دسترس در آورد که می‌توانست به راحتی برای

۵۸ / تأثیر فرمان منع مسکرات شاه تهماسب اول بر مصرف افیون در دوره اول حکومت صفوی (۹۰۷-۹۹۶ ق)

خودکشی مورد استفاده قرار گیرد. از این رو در این دوره گزارش‌های متعددی از خودکشی و کشتن افراد با مصرف غیرمتعارف افیون در دست است. روی هم‌رفته در نیمه دوم دوره نخستین صفوی زمینه‌های اعتیاد فراگیر جامعه فراهم شد و در دوره‌های بعدی سبک زندگی اقشار بیشتری از جامعه ایرانی را تحت تأثیر خود قرار داد و چنان در زندگی آنان نهادینه شد که حتی شاه عباس اول نتوانست آن را ریشه کن سازد.

منابع

- آقاجری، سید هاشم (۱۳۸۹). *مقدمه‌ای بر مناسبات دین و دولت در ایران عصر صفوی*. تهران: طرح نو.
- ابن سینا، حسین بن عبد الله (۱۴۲۶ ق). *القانون فی الطب*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- اسکندر منشی (۱۳۸۲). *تاریخ عالم‌آرای عباسی*. به کوشش ایرج افشار. ج ۱. تهران: امیر کبیر.
- *اسناد روابط تاریخی ایران و پرتغال: سال‌های ۱۵۰۰ تا ۱۷۵۸* (۱۳۸۲). ترجمه و تنظیم مهدی آقامحمد زنجانی. تهران: وزارت امور خارجه.
- افوشته‌ای نظری، محمود بن هدایت الله (۱۳۷۳). *نقاوه الآثار فی ذکر الاخیار فی تاریخ الصفویه*. به کوشش احسان اشراقی. تهران: علمی و فرهنگی.
- اولئاریوس، آدام (۱۳۶۳). *سفرنامه آدام اولئاریوس*. ترجمه احمد بهپور. تهران: ابتکار.
- ایمان، رحم علیخان (۱۳۸۶). *منتخب اللطایف*. به کوشش حسین علیزاده و مهدی علیزاده. تهران: طهوری.
- بابا صفری (۱۳۷۱). *اردبیل در گذرگاه تاریخ*. ج ۲. اردبیل: دانشگاه آزاد اسلامی (اردبیل).
- بدلیسی، شرف خان (۱۳۷۷). *شرفنامه*، به تصحیح ولادیمیر ولیامینوف. تهران: اساطیر.

- برهان، محمدحسین بن خلف (۱۳۸۰). **فرهنگ فارسی برهان قاطع**. تهران: افراسیاب.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۸۳). **الصیدنة فی الطب (داروشناسی در پزشکی)**. ترجمه باقر مظفرزاده. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه نشر آثار.
- پورداد، ابراهیم (۱۳۸۳). **هرمزنامه**. تهران: دنیای کتاب.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۳۶). **سفرنامه تاورنیه**. ترجمه ابوتراب نوری، به کوشش حمید شیرانی. تهران: کتابفروشی سنایی و کتابفروشی تأیید.
- تتوی، قاضی احمد، قزوینی، آصف خان (۱۳۸۲). **تاریخ الفی**. به کوشش غلام رضا طباطبایی مجلد. ج ۸. تهران: علمی و فرهنگی.
- جملی کارری، جوانی فرانچسکو (۱۳۴۸). **سفرنامه کارری**. ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ. تبریز: وزارت فرهنگ و هنر، اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
- جنابدی، میرزاییگ بن حسن (۱۳۷۸). **روضه الصفویه**. به کوشش غلامرضا طباطبائی مجلد. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- **جنگ نظم و نشر بیاضی** [بی تا]. کتابخانه مجلس: نسخه خطی شماره ۱۹۸۳.
- حسینی منشی، محمود بن ابراهیم (۱۳۸۶). **تاریخ احمدشاهی**. به کوشش محمد سرور مولائی. تهران: محمد ابراهیم شریعتی افغانستانی (عرفان).
- حسینی شفائی، مظفر بن محمد (۱۳۸۳). **قوابادین**. تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- حسینی منشی، محمد میرک بن مسعود (۱۳۸۵). **ریاض الفردوس خانی**. به کوشش ایرج افشار و فرشته صرافان. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- حسینی، مجدالدین محمد [بی تا]. **زینت المجالس**. تهران: کتابفروشی سنایی.
- حکیم مؤمن، محمد مؤمن بن محمدزمان (۱۳۹۰). **تحفه المومنین مشهور به تحفه حکیم مومن**. قم: نور وحی.

۶۰ / تأثیر فرمان منع مسکرات شاه تهماسب اول بر مصرف افیون در دوره اول حکومت صفوی (۹۰۷-۹۹۶ ق)

- خرمی، ناصر سراج و علی اکبر سیف (۱۳۸۲). «مقایسه اثر بخشی درمان‌های رفتاری، شناختی و گروه درمانی در درمان اعتیاد به مواد مخدر». **دانش و پژوهش در روانشناسی**، ش ۱۷: ۲۱-۴۰.
- خواند میر، غیاث‌الدین بن همادالدین (۱۳۸۰). **تاریخ حبیب‌السیر** (ج ۴). تهران: خیام.
- خورشاه بن قباد الحسینی (۱۳۷۹). **تاریخ ایلیچی نظام شاه**. به کوشش محمدرضا نصیری، کویچی هانه‌دا. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- رازی، امین احمد. [بی تا]. **هفت اقلیم**. ج ۲. تهران: علمی.
- رازی، محمد بن زکریا (۱۴۰۸). **المنصوری فی الطب**. شرح و تحقیق و تعلیق حازم بکری صدیقی. کویت: المنظمة العربية للتربية و الثقافة و العلوم.
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۲). **تاریخ اجتماعی ایران**. ج ۷. تهران: نگاه.
- روملو، حسن بیک (۱۳۵۷). **احسن التواریخ**. به تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: بابک.
- سروری، محمدقاسم بن حاجی محمد (۱۳۳۸). **فرهنگ مجمع الفرس**. تهران: علمی.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲). **سفرنامه شاردن**. ترجمه اقبال یغمائی. ج ۲ و ۳ و ۴. تهران: توس.
- شاه‌ارزانی، محمد اکبر بن محمد (۱۳۸۰). **میزان الطب**. به تصحیح هادی نصیری. قم: سماء.
- شریف، محمد مهدی بن علینقی (۱۳۸۷). **زاد المسافرین**. قم: جلال‌الدین.
- شیخ بهائی، محمد بن حسین (۱۳۸۶). **جامع عباسی: رساله عملیه**. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- شیرازی، کمال‌الدین حسین (۱۳۸۶). «تریاک فاروق». **گنجینه بهارستان (مجموعه ۳ رساله در پزشکی)**. ج ۲. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- صابر، فاطمه، سید ولی ا. موسوی و ایرج صالحی (۱۳۹۰). «مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های حل مسئله در مردان معتاد و غیرمعتاد». **اعتیاد پژوهی**، (۱۹) ۳۹-۵۵.

- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۸). **آسیب‌های اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)**. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۸). **تاریخ ادبیات در ایران**. تهران: فردوس.
- صفوی، سام میرزا [بی تا]. **تذکره تحفه سامی**. به تصحیح رکن‌الدین همایون‌فرخ. تهران: شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران.
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۵۴). **تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس**. تهران.
- عبدی بیگ شیرازی، زین‌العابدین علی (۱۳۶۹). **تکملة الاخبار (تاریخ صفویه از آغاز تا ۹۷۸ هجری قمری)**. به تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: نشر نی.
- عقیلی علوی خراسانی شیرازی، سید محمد حسین (۱۳۹۱). **قربادین کبیر**. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی تهران.
- عقیلی علوی شیرازی، سید محمد حسین (۱۳۶۰ق). **مخزن الأدوية: دائرة المعارف خوردنی‌ها و داروهای پزشکی سنتی ایران**. به کوشش احمد کبیر، احمد عجیب، غلام حسین مولوی، قنبر علی مولوی. کلکته.
- عمادالدین شیرازی، محمود بن مسعود (۱۳۸۸). **رساله افیونیه**. به کوشش رسول چوپانی، امید صادقی‌پور و وجیهه پناهی. تهران: المعی.
- غفاری کاشانی، قاضی احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). **تاریخ نگارستان**. به کوشش مرتضی مدرس گیلاتی. تهران: کتاب‌فروشی حافظ.
- فخرالزمانی، عبدالنبی بن خلف (۱۳۶۲). **تذکره میخانه**. به کوشش احمد گلچین معانی. تهران: اقبال.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۵۳). **زندگانی شاه‌عباس اول**. تهران: دانشگاه تهران.

- فومنی، عبدالفتاح (۱۳۴۹). **تاریخ گیلان در وقایع سال‌های ۱۰۳۸ - ۹۲۳ هجری قمری**. به کوشش منوچهر ستوده. ج ۱. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- قاسمی گنابادی، محمدقاسم (۱۳۸۷). **شاه اسماعیل نامه**. به کوشش جعفر شجاع کیهانی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- قزوینی، ملا محمد رفیع (۱۳۵۹). **دیوان**. به کوشش سید حسن سادات ناصری. تهران: علمی.
- کارنگ، عبدالعلی (۱۳۵۱). **آثار باستانی آذربایجان**. تهران: انجمن آثار ملی.
- کرمانی، افضل‌الدین احمد بن حامد (۱۳۵۶). **عقد العلی للموقف الاعلی: قدیمی ترین تاریخ مربوط به حوادث کرمان در عهد سلاجقه**. به کوشش علیمحمد عامری نائینی. تهران: روزبهان.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۰). **سفرنامه کمپفر**. ترجمه کیکاووس جهان‌داری. تهران: خوارزمی.
- کوهی کرمانی، حسین (۱۳۲۴). **تاریخ تریاک و تریاکی در ایران**. تهران: علمی.
- کحال، علی بن عیسی (۱۳۸۷). **تذکره الکحالین**. تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- **گنجینه بهارستان (مجموعه ۳ رساله در پزشکی)** (۱۳۸۶). تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- لاهجی، علی بن شمس‌الدین (۱۳۵۲). **تاریخ خانی: شامل حوادث چهل ساله گیلان از ۸۸۰ تا ۹۲۰ قمری**. به کوشش منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۲ق). **بیست و پنج رساله فارسی**. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- _____ (بی تا). **حدود و قصاص و دیات**. قم: مؤسسه النشر الآثار الاسلامیه.

- محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مومن (۱۳۸۳). **روضه الانوار عباسی در اخلاق و شیوه کسورداری** به کوشش اسماعیل چنگیزی اردهایی. تهران: دفتر نشر میراث مکتوب، آینه میراث.
- محمدیار بن عرب قطغان (۱۳۸۵). **مسخر البلاد: تاریخ شیبانیان**. به کوشش نادره جلالی. تهران: میراث مکتوب.
- مستوفی بافقی، محمد مفید (۱۳۸۵). **جامع مفیدی**. به کوشش ایرج افشار. ج ۱. تهران: اساطیر.
- منشی قزوینی، بوداق (۱۳۷۸). **جواهر الاخبار: بخش تاریخ ایران از قراقویونلو تا سال ۹۸۴ ه. ق.** به کوشش محسن بهرام نژاد. تهران: دفتر نشر میراث مکتوب.
- منشی قمی، احمد بن حسین (۱۳۸۳). **خلاصه التواریخ**. به کوشش احسان اشراقی. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۵۲). **گلستان هنر**. به کوشش احمد سهیلی خوانساری. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ناصر خسرو (۱۳۵۵). **سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی**. به کوشش احمد ابراهیمی. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- ناطق، ابراهیم و محمود میناکاری (۱۳۸۷). «مقایسه هوش هیجانی در مردان معتاد به مواد افیونی و غیرمعتاد». **اعتیاد پژوهی** (۸)، ۱۲۱-۱۳۴.
- نصرآبادی، محمدطاهر (۱۳۶۱). **تذکره نصرآبادی: مشتمل بر شرح حال و آثار قریب هزار شاعر صفوی**. به تصحیح حسن وحید دستگردی. تهران: کتابفروشی فروغی.
- نفیس بن عوض (۱۳۸۷). **طب اکبری**. ترجمه محمداکبر بن محمد شاه‌ارزانی. به کوشش موسسه احیاء طب طبیعی. قم: جلال‌الدین.
- نوایی، امیر علیشیر (۱۳۶۳). **تذکره مجالس النفائس**. تهران.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۳). «ماجراهای منع تریاک». **گنجینه اسناد** (۱۶)، ۱۶-۳۵.

۶۴ / تأثیر فرمان منع مسکرات شاه تهماسب اول بر مصرف افیون در دوره اول حکومت صفوی (۹۰۷-۹۹۶ ق)

- _____ (۱۳۷۷). «اسنادی از داستان تریاک». **گنجینه اسناد** (۳۱-۳۲)، ۶۲-۷۵.
- _____ (۱۳۵۰). **اسناد و مکاتبات تاریخی شاه تهماسب صفوی**. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- وری پناه، همایون (۱۳۹۱). «مصرف دخانیات در ایران عصر صفوی». **پیام بهارستان** (۱۸)، ۴۱۴-۴۲۷.
- واصفی، زین‌الدین محمود (۱۳۴۹). **بدایع الوقایع**. به کوشش الکساندر بلدروف. ج ۲. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- واله اصفهانی، محمد یوسف‌بن حسین (۱۳۷۲). **خلد برین (ایران در روزگار صفویان)**. به کوشش هاشم محدث. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- وحشی بافقی، کمال‌الدین (۱۳۶۳). **کلیات دیوان وحشی بافقی**. تهران: جاویدان.
- یوسفی هروی، یوسف‌بن محمد (۱۳۸۲). **طب یوسفی (جامع الفوائد)**. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل.
- _____ (۱۳۹۱). **ریاض‌الادویه**. به کوشش سید محمد نظری تهران: المعی.
- Matthee, Rudi (2005). *the pursuit of pleasure: drugs and stimulants in Iranian history, 1500-1900*. princeton & oxford: princeton university press.